

# شرح التعرف لمذهب التصوف

سهیلا یوسفی\*

برای پی بردن به ارزش واقعی و جایگاه علمی کتاب شرح التعرف بی‌مناسبت نیست که بدانیم التعرف لمذهب التصوف نوشته ابوبکر محمد بن ابراهیم کلابادی، که شرح التعرف تفسیر آن است، بعد از واقعه قتل حلاج در سال ۳۰۹ هـ. برای دفاع از صوفیان تألیف شده؛ یعنی در زمانی که عالمان و دینداران ظاهری به شدت با صوفیان مقابله و مبارزه می‌کردند و گویا مردم زمانه نیز به معرفت حقیقی و باطنی بی‌رغبتی نشان می‌دادند، به طوری که جنبه‌های اخلاقی دین نیز کم‌رنگ و بساط حقیقت و معرفت الهی برچیده شده بود. از یک سو دعوی‌های پوچ و بی‌اساس و آداب خرافی و ساختگی مدعیان تصوف آشکارا اوج می‌گرفت و بدعت‌های نادرستی در تصوف گذاشته شده بود، و از سوی دیگر عده‌ای نسبت‌های ناروایی از روی جهل و بی‌دانشی به صوفیان و مذهب و مرام آنان در تصوف می‌دادند. لذا در چنین شرایطی بود که محمد کلابادی دست به تألیف کتاب ارزشمند خود می‌زند تا بلکه حقیقت تصوف و صوفی حقیقی را به مردمان عصر خود به نیکی بنمایاند. از آن رو که کلابادی اهل علم بود و علاوه بر علم حدیث، در تصوف و مسائل آن دستی داشت، کتاب او در طول تاریخ همواره مرجع اهل تحقیق در باب تصوف و عرفان بوده است؛ تا بدان جا که درباره آن گفته شده است: «لولا التعرف لما عرف التصوف» که اگر تعرف نبود تصوف شناخته نمی‌شد. وابستگی و ارتباط شرح التعرف با تألیف محمد بخاری، قدر نسخه چاپ شده را چند برابر می‌کند.

شرح التعرف که همانند خود التعرف، از اقلیم فرهنگی بخارا برخاسته است، آن را نیز نمایانگر فکر و فرهنگ عرفانی در سده‌های چهار و پنج هجری ساخته است. این اثر افزون بر ارزش‌های محتوایی که دارد، از دید گونه‌شناسی زبان فارسی خراسانی و تاریخ نسخه‌پردازی نگارش‌های کهن پارسی حائز

شرح التعرف لمذهب التصوف، ابوابراهیم اسماعیل بن محمد مستملی بخاری (ف. ۴۳۴ هـ.)، نسخه‌برگردان به قطع اصل نسخه خطی به شماره N.M. 1959. 207 موزه ملی پاکستان (کراچی)، کتابت ۴۷۳ هـ.، مقدمه و یادداشت‌ها: نجیب مایل هروی، میراث مکتوب، ۱۳۹۲. مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین، به تازگی نسخه‌ای از شرح التعرف لمذهب التصوف نوشته ابوابراهیم اسماعیل بن محمد مستملی بخاری را — که در قرن پنجم هجری قمری کتابت شده و به لحاظ تاریخ نسخه‌پردازی مؤلفات و نگارش‌های دیرینه پارسی، پس از نسخه منحصر به فرد الابنیه عن حقائق الادویه دومین نسخه موجود کهن پارسی است — به صورت نسخه‌برگردان در ۱۹۵ صفحه با شمارگان ۲۰۰ نسخه منتشر کرده است.

شرح التعرف یکی از مهم‌ترین متون عرفانی و کهن‌ترین متن صوفیانه به زبان فارسی است که تا کنون به دست آمده است. اسماعیل مستملی بخاری از زمره شاگردان محمد کلابادی بخاری (ف. ۳۸۰ هـ. / ۹۹۰ م. یا ۳۸۴ هـ. / ۹۹۴ م.)، مؤلف التعرف لمذهب التصوف، و از عرفای نامی عصر خود بوده که بر اثر خواستاری اصحاب کلابادی، به گزارش و شرح اثر شیخش اهتمام کرده است. این نکته را مستملی بخاری در مقدمه شرح التعرف آورده است:

آن کتاب را به شرح کردم تا به سخن پیران متقدمان تبرک کرده باشم و نیز مقتدی باشم نه مبتدی تا کس بر من عیبی نکند و هرچه گفتم مؤکد کردم به آیتی از کتاب خدای عزوجل یا به خبری از رسول صلوات الله علیه و آله و یا به مسئله‌ای از فقه.

(روشن، ۱۳۶۳: ۳۳ - ۳۴)

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی / soheilayosefi@yahoo.com



دوره دوم، سال ششم، شماره پنجم و ششم، آذر - اسفندماه ۱۳۹۱

اهمیت است، از این رو چاپ آن گامی مثبت و مؤثر در زمینه شناسایی فرهنگ گذشته به ویژه تصوف در ایران قدیم است و کمک می‌کند تا بتوانیم به وسیله آن گونه زبان فارسی ماوراءالنهر را دریافته و جایگاه فکر و فرهنگ عرفانی و تصوف آن خطه را در نخستین سده‌های هجری، زمانی که تصوف در سرزمین فرارود و دیگر سرزمین‌های خراسان چون طوس و نسا بور و مرو و... روزبه‌روز گسترش می‌یافت، به‌درستی و مستند به اسناد مکتوب کهن نشان دهیم.

کتاب با مقدمه کامل و نسبتاً مفصل استاد نجیب مایل هروی، نسخه‌شناس محقق، آغاز می‌شود. وی در ۳۵ صفحه به بررسی ویژگی‌های نسخه‌شناختی این اثر و نیز ویژگی‌های اقلیمی سرزمین پدیدآورنده آن، پرداخته است. مایل هروی در یادداشت خود نسخه به دست آمده را گرانبها و چاپ آن را از جهات گونه‌شناسی تاریخی و متن‌شناسی سودمند و حائز اهمیت دانسته است:

این نسخه از شرح‌التعرف، نسخه‌ای است بسیار ارزشمند، که نه تنها به لحاظ متن‌شناسی شرح‌التعرف از ارجحیت و اهمیت بسیار برخوردار است... به لحاظ اعتبار گونه‌شناسی نسخه‌های کهن عرفانی (خانقاهی) و آداب نسخه‌پردازی در میان عارفان قرن پنجم قمری و به جهت گونه‌شناسی گونه‌های فارسی خراسانی سزاوار تأمل جدی و اجتهادی است. این اثر همچنین به منظور دریافت اشتراکات و همسانی‌ها و دگرسانی‌ها و افتراقات در گونه‌شناسی تاریخی گونه‌های نسخ خطی فارسی از اهمیتی بسیار در قلمرو تحقیقات نسخه‌شناسی و پیوند آن با متن‌شناسی برخوردار است.

(مایل هروی، ۱۳۹۲: مقدمه ۱۳)

در مقدمه کتاب آمده است: در ظاهر نسخه چاپ شده، یادداشتی به خطی جز خط کاتب وجود دارد که بر پایه آن (نسخه حاضر) شرح‌التعرف می‌بایست به چهار رُبع یا مجلد بخش‌بندی شده باشد، در حالی که خود شارح هرگز به چنین تقسیماتی در شرح خود بر‌التعرف اشاره نکرده و نخستین نسخه‌ای که سخن از چهار جلد بودن شرح‌التعرف به میان آورده محمد بن علی ساوی در سده ششم بوده و پس از او کاتبان برخی نسخ به این چهارپارگی اهمیت داده‌اند. اصل این نسخه، که از میانه باب

هژدهم آغاز می‌شود و در کتابخانه موزه ملی پاکستان موجود است، در نیمروز بیست و چهارم شوال سال چهارصدوهفتادوسه از روی نسخه‌ای کتابت شده و با نسخه شیخ امام ابی‌نعیم عبدالملک البزدوی مقابله شده بوده است. از این روی این نسخه بدون واسطه به نسخه‌ای از نسخه‌های روزگار شارح‌التعرف می‌رسد؛ نسخه‌ای که به لحاظ نسخه‌شناسی وابسته به اقلیم جغرافیای متن سخت درخور توجه است. افزون که انجامه کاتب علاوه بر توانمندی وی، نشان از یگانگی او با اقلیم و ذهن جغرافیای زبان شارح دارد و آشنایی او را با آداب نسخه‌نویسی در سده پنجم هجری و نیز درک دقیق او را از مفاهیم عرفانی می‌نمایاند.

این نسخه نخستین تجربه‌های نسخه‌پردازی آثار عرفانی را در مشرق ایران نشان می‌دهد که نه تنها به لحاظ نقد و تصحیح شرح‌التعرف حائز اهمیت فراوان است، بلکه از ادب گزاره‌نویسی مزجی متون تازی عرفانی در مشرق ایران نیز حکایت می‌کند. نشانه‌های نسخه‌پردازی در این نسخه از وجهی هنوز پیچیدگی‌های نشانه‌های نسخه‌نویسی سده‌های پسین را نمی‌نماید. خط کاتب نسخ است، اما نسخی با ثلث آمیخته، تا جایی که در مواردی پیچش‌های ثلث، خط او را به سوی خط مسلسل، که در نواحی بالارود معمول بوده و فرهنگ‌نویسان آن نواحی معادل فارسی آن را «خط پیوسته نبشته» ضبط کرده‌اند، سوق داده است. در نقطه‌گذاری هم کاتب، گاه به سوی خط کم‌نقط و بی‌نقط میل می‌نماید که در میان خوشنویسان به خط غفل شهرت داشته است. نمونه پیوستاری حروف در خط کاتب بیشتر در واژه‌های «اندر» و «ورا» دیده می‌شود. کاتب با آداب کتابت حروف متشابه، مطابق قواعد روزگارش، آشناست و بر طبق آن عمل کرده و با گذاردن یک نقطه در زیر حروف مشابه: ک / (اگ)؛ د / ذ؛ ر / ز؛ حرف دال را از ذال؛ گاف را از کاف و ر را از ز متمایز کرده است. و حروف ح، س، و شین را گاه با خط تیره کوچک و یا سه نقطه در زیر سین و دو نقطه چسبیده بر زیر شین از تشابه ممانعت می‌کند. البته کاتب، از آن‌جا که رفتار او در نظام کتابت با قلم‌موی نشان می‌دهد، به سوی خط کم‌نقط تمایل دارد و قواعد مشخص و همگون را در زمینه نقطه‌گذاری و نشانه‌گذاری به لحاظ رفع ماندگی تام و تمام از حروف متشابه در کتابت مرعی نمی‌دارد. با این همه کاتب



از دقت فوق‌العاده در کتابت متن و شرح‌التعرف برخوردار بوده است و با ساختارهای زبانی — اعم از نظام آوایی و واژگانی و ساختارهای نحوی آن — آشنا و مسلط است که خواننده آشنا با متون کهن فارسی، این نسخه کم‌نقط را از تمام نسخه‌های تمام منقوط قرن هشت و نه هجری از همین متن، روان‌تر می‌خواند.

از آن‌جا که زبان همانند گوینده آن در ادوار و اطوار تاریخی دگرگونی می‌یابد و خط نیز به تبع آن این دگرگونی را می‌پذیرد، خط نسخ کهن و دیرینه‌سال فارسی شأن زبانی (linguisticity) عصر تألیفشان را آینه‌داری می‌کنند. حد فاصل و شکاف در میانه رسم خط و گونه کاربردی زبان مؤلف به قدری ناچیز بوده که اگر مثلاً متن دوره چهارم و پنجم را بر پایه نسخ سده‌های نهم و پس از آن بخوانیم، بسیاری از زمینه‌های آوایی، وجوه زبان عاطفی (emotive Language) و صور مجازی زبان (The Language figurative) متون دیرینه‌سال و کهن را از دست می‌دهیم و متن کهن را مطابق با پسندهای زبانی و خطی روزگار خودمان تصحیح می‌کنیم و می‌فهمیم.

برای روشن شدن جایگاه ارزشمند نسخه حاضر و ضرورت مسلم نشر نسخه برگردان آن، یادآور می‌شوم که پیوستگی و قرابت تلفظ واژه‌ها و ساختارهای نحوی در این نسخه با صور مکتوب و وجوه نبشته آن، پدیده‌ای است که اگر جز موارد اندک نادیده گرفته شود، بار عاطفی و مجازی زبان این متن — همچنان که در نسخه‌های متأخر و معاصر آن از دست رفته است — در تحقیقات متن‌شناسی فراموش می‌شود و هم وجه آهنگین و موسیقایی پاره‌ای عبارتهای سخت زیبای آن نادیده و ناشناخته می‌ماند. از زمره ضبط‌های گونه‌ای زبان که در نسخه حاضر به لحاظ گونه‌شناسی زبان متون (Texts Language) درخور تأمل است و به لحاظ تاریخ گونه‌شناسی سزاوار نگاهداری است، می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. چُن [con] / در سرتاسر این نسخه مؤلف (/ کاتب) کوشیده است که از مصرع‌های بلند و کوتاه زبان فارسی بهره بگیرد. در مورد چون هرگز به مصوت بلند توجه نداشته و هر جا که این واژه را یافته به صورت جن (/ چُن) به کار برده است. این کاربرد در نسخه‌های متأخر شرح‌التعرف به چون تبدیل شده

است.

۲. وی [vi] / از جمله کاربردهای گونه‌ای و دیرینه خراسانی به جای (ای) iy و یی yi است. این کاربرد گونه‌ای تا سده هشتم هجری معمول بوده است.

۳. نشانه همزه [ء] / یکی از نکته‌های سزاوار تأمل در این نسخه عدم کاربرد همزه است؛ حتی در مواردی که نویسه‌های دو جزئی را در زبان فارسی یا واژه‌های مأخوذ از عربی تشکیل می‌دهد. عدم کاربرد نشانه همزه در این نسخه، مقوله مربوط به خط نیست بلکه نکته‌ای است از مباحث گونه‌ای زبان.

۴. کسره اضافی [ - ] / از مسایل تاریخ زبان فارسی است که در این نسخه بسیار مورد توجه کاتب بوده است. اهمیت این ضبط در گونه‌شناسی تاریخی زبان فارسی به این جهت است که امروزه در گونه‌های فارسی بالارود، هرات و کابل از زَبَر ( - ) و از پیش ( ؤ ) به حیث نشانه اضافی در گفتار استفاده می‌شود. مثلاً گفته می‌شود: امانت نگاه داشت.

۵. همارا hamārā / وجهی است از هماره و همواره، که وجه این نسخه هماره، «همارا» است و به هیچ روی کاتب از این وجه عدول نکرده است.

۶. بدادر badādar / وجهی است گفتاری از واژه برادر، که در متون به صور برادر، دادر، و دادا و همین صورت مضبوط در نسخه حاضر به کار رفته است.

۷. خیدره xidara(e) / جرقه‌های آتش؛ این واژه از واژه‌های کهن و گونه‌ای فارسی بخارا و حوالی آن اقلیم بوده و دو بار در یک تمثیل مستملی بخاری آمده است. تا کنون واژه خیدر را نه در فرهنگ‌نامه‌های کهن و ادوار میانه و متأخر و معاصر و امروزی دیده‌ام و نه در متون مورد نظر که در اقلیم ذهن و زبان شارح و گزارنده‌التعرف کلابادی می‌گنجد.

۸. موکدی [movakkedi] / استواری، محکم بودن. این واژه در فرهنگ‌های معاصر ضبط نشده است.

۹. اید [id] / استعمال فعل مضارع «بودن» است به معنای «است».

۱۰. هی [hi] / از مصدر هستن به جای هستی به کار رفته است.

۱۱. ش [aš] / کاربرد ضمیر سوم شخص برای جاندار و بی‌جان در پایان فعل.

۱۲. نه [ne] / ضبط کتابت نه از مؤلف یا کاتب است به جای



نیست. در فارسی نه (na /) داریم و نی (ney /) که به معنای نیست هنوز در گفتار به کار می‌بریم. صیغه امر است از نهادن؛ که در این نسخه، «نه» ربطی به مشتقات «نهادن» ندارد.

۱۳. آری کردن / مانند «بلی گفتن» در فارسی امروز.

۱۴. آمد ... آمد / با لحن گفتار، «آمد» دوم به معنای «آمده بود» (برای کسب اطلاعات کامل در این زمینه ر.ک: مایل هروی، ۱۳۹۲: مقدمه).

پس از مقدمه، تصویر متن کتاب به قطع اصلی نسخه خطی، که بخش عمده اثر چاپ شده را تشکیل می‌دهد، آمده و سپس پیوست با عنوان «نگاهی به تصحیح شرح التعرف و برگ‌های بدرقه نسخه کراچی»، سه صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است. مایل هروی در این بخش به برخی نکات در زمینه تصحیح متون و نیز فهرست‌های نسخ خطی پرداخته و در انتقاد از شیوه فهرست‌نویسی رایج می‌گوید:

من در ایران معاصر در نیم قرن اخیر دریافتم که متأسفانه برخی از فهرست‌های نسخ خطی به اهتمام کتاب‌ناشناسان فراهم آمده است. فهرست‌نویسی نسخ خطی می‌بایست در چند مرحله توصیفی، تطبیقی، ارجاعی و... فراهم آید و این همه بر اساس علم نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی، که رؤیت نسخه‌ها را التزام می‌کند، میسر می‌شود.

(همان، ۱۱۱)

مایل هروی در ادامه این بحث به تصحیح محمد روشن از کتاب شرح التعرف نگاهی گذرا کرده است و معتقد است:

کوشش آقای محمد روشن در زمینه شرح التعرف می‌تواند به لحاظ تیویب مجدد کتاب و مقابله مجدد با نسخه کراچی و حروفچینی مجدد و تهیه نمایه‌های دقیق به چاپی درخور محققان متون تلقی شود و سعی و تلاش فراوان مصحح دانشمند این متن کهن تزیین نشود.

(همان، ۱۱۲)

بخش آخر پیوست به یادداشت‌هایی که بر ظهر نسخه کتابت شده، اختصاص یافته که در مقدمه کتاب به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است. این کتاب همچنین شامل نمایه کاملی از فهرست آیات قرآن، فهرست احادیث و اخبار، فهرست سخنان پیامبران پیشین، پیران عارف، مثل‌ها و مثلواره‌ها، فهرست بیت‌های تازی، فهرست تعریفات اصطلاحات و مفاهیم، فهرست اصطلاحات عرفانی، کلامی و مدنی، فهرست واژه‌ها و ساختارهای زبان و فهرست‌های اعلام است، که استفاده از کتاب را آسان‌تر ساخته است.

در پایان ضمن قدردانی از زحمات استاد نجیب مایل هروی، که برای نشر این اثر کوشیده‌اند، از مرکز پژوهشی میراث مکتوب، سپاسگزاریم که در راستای حفظ میراث کهن مُجددانه می‌کوشد و با چاپ‌های عکسی نسخ خطی امکان دسترسی آسان علاقه‌مندان به آن را فراهم می‌کند. امید که همه آثار باقی مانده از گذشته علمی و فرهنگی مان یک‌به‌یک چاپ شده و از بلای خمولی و گم‌بودگی در امان بمانند.

#### منابع:

- مایل هروی ← مستملی بخاری، ۱۳۹۲.
- مستملی بخاری، اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، ج ۱، تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳.
- مستملی بخاری، اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، نسخه برگردان به قطع نسخه خطی، مقدمه و یادداشت‌ها نجیب مایل هروی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۲.

